



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال چهاردهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۰۵-۱۷۷

## توزیع پی‌بست‌های ضمیری کردی موکری در گروه فعلی در چارچوب نظریهٔ بهینگی<sup>۱</sup>

قادر اله‌ویسی آذر<sup>۲</sup>، وحید غلامی<sup>۳</sup>

صادق محمدی‌بلبان آباد<sup>۴</sup>، امید ورزنده<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

### چکیده

واژه‌بست‌ها به عنوان عناصری که پل ارتباطی میان حوزه‌های مختلف دستور زبان بوده و به شیوه‌های مختلف به میزبان خود پیوسته می‌شوند، مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته‌اند. از این رو، تعامل آن‌ها با میزبان‌هایی از مقوله‌های گوناگون و قرارگیری در جایگاه دوم با توجه به نوع حوزهٔ عملکردشان جالب توجه است. مانند دیگر زبان‌های ایرانی، کردی موکری نیز به نظام واژه‌بستی مجهز است و واژه‌بست‌ها در زبان مورد اشاره از قابلیت حرکت بالایی برخوردارند. مقالهٔ پیش‌رو، در تلاش است تا پس از شناسایی پی‌بست‌های ضمیری در نظام واژه‌بستی کردی موکری، جایگاه آن‌ها را به کمک محدودیت‌های نظریهٔ بهینگی در گروه فعلی تعیین نماید. در این مقاله، نخست، پی‌بست‌های ضمیری در نظام واژه‌بستی کردی موکری شناسایی می‌شوند. سپس، به

<sup>۱</sup> شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2022.37063.2068

شناسهٔ دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088833.1401.14.45.7.1

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترا، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران  
g.allahveisi@iausdj.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران (نویسندهٔ مسئول)؛  
gholami62@iausdj.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران  
s.mohammadi@iausdj.ac.ir

<sup>۵</sup> استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران  
varzandeh@iausdj.ac.ir

بررسی توزیع و نقش‌های مختلف این واژه‌بست‌ها در زبان مورد اشاره پرداخته می‌شود. پس از آن، جایگاه پی‌بست‌های ضمیری در حوزه‌های فعلی - گروه فعلی دارای جزء پیش فعل یا پیش‌وندهای منفی‌ساز (-*nae*-, *na*-) و پیش‌وندهای التزامی و امری (-*bi*) و گروه فعلی بدون جزء پیش فعل - به کمک محدودیت‌های نظریه بهینگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. محدودیت‌های «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه»، «حفظ یکپارچگی میزبان» و «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» در تعیین جایگاه واژه‌بست نقش دارند. این مقاله بر آن است تا به دو پرسش اصلی پاسخ دهد: نخست اینکه، آیا محدودیت‌های نظریه بهینگی کفایت لازم در تعیین جایگاه واژه‌بست را دارند؟ دوم آنکه، آیا در نتیجه رقابت محدودیت‌های مذکور واژه‌بست در جایگاه دوم قرار می‌گیرد؟ این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در گردآوری داده‌ها از شمّ زبانی نگارنده اصلی مقاله به عنوان گویشور کردی موکری و نیز گویشوران این زبان بهره گرفته شد. افزون بر این، از کتاب‌ها، مجله‌ها و نوشتارهای وب‌گاه‌ها یادداشت‌برداری شد و حدود ۱۰ ساعت صدای گویش‌وران گویش مورد نظر ضبط گردید.

**واژه‌های کلیدی:** پی‌بست‌های ضمیری، کردی موکری، گروه فعلی، محدودیت‌ها، نظریه بهینگی

## ۱. مقدمه

هدف اصلی بررسی زبان، دست‌یابی به دانشی است که گویشوران زبان به کمک آن می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. به این منظور، زبان‌شناسان و پژوهشگران به مطالعه و بررسی قواعد نظام زبانی روی آورده‌اند. آن‌چه در نیمه قرن بیستم مورد توجه دستوریان زایشی بود، ساخت جمله‌های زبان و قواعد ناظر بر توزیع واژه‌ها در واحدهای بزرگتری موسوم به «گروه» بود. از دیدگاه زایشی حوزه‌های چهارگانه دستور (واج‌شناسی، ساخت‌واژه، نحو و معناشناسی) به صورت جدا و مستقل از هم عمل می‌کنند و در هر حوزه دارای قواعد حاکم خاص آن حوزه هستند و مستقل از سایر حوزه‌ها بیان می‌شوند. بعدها دستوریان این رویکرد دریافتند که عناصری در زبان وجود دارند که از اصول جدایی حوزه‌های مورد اشاره سرپیچی می‌کنند. با بررسی این عناصر می‌توان به روشن ساختن پدیده‌های مختلف حوزه‌های چهارگانه دستور و ارتباط این حوزه‌ها با یک‌دیگر کمک کرد. زبان‌شناسان این عناصر در دسرساز را واژه‌بست می‌نامند.

واژه‌بست از جنبه ریشه‌شناختی مشتق از واژه یونانی «*klitikos*» به معنی «تکیه کردن، مایل بودن» است و این تمایل واژه‌بست‌ها به پیوسته شدن به عناصر دیگر زبانی را نشان می‌دهد.

زبان‌شناسان گوناگون برای واژه‌بست تعریف‌های متفاوتی ارائه داده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به تعریف کریستال (Crystal, 2008, p. 80) اشاره کرد. وی بر این باور است که واژه‌بست در دستور برای اشاره به صورتی به کار برده می‌شود که شبیه یک واژه است اما نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقل در یک پاره‌گفتار طبیعی به کار برده شود و از جنبه آوایی به میزبان خود وابسته است. آندرسن (Anderson, 2005, p.1) معتقد است واژه‌بست‌ها عناصری هستند که نه مانند واژه‌های عادی در جمله وارد می‌شوند و نه مانند وندها به واژه‌ها پیوسته می‌شوند. به باور وی، نه نحو و نه واج‌شناسی برای شرح دستور واژه‌بست‌های ویژه کفایت لازم را ندارند و ذات واژه‌بست‌ها اساساً ریشه در ساخت‌واژه دارد (همان).

با توجه به تعریف‌ها و توصیف‌های بالا می‌توان گفت که واژه‌بست تکواژی است که ویژگی‌های نحوی واژه را داراست اما از جنبه واجی وابسته به واژه یا گروه دیگری است. به بیان دیگر، از جنبه نحوی مستقل و از لحاظ واجی وابسته به میزبان خود است. بر این اساس، سه گروه کاملاً جداگانه از عناصر زبانی وجود دارند که چنین رفتاری از خود بروز می‌دهند. این عناصر مشتمل اند بر واژه‌های مقید، واژه‌بست‌ها و صورت‌های آزاد که دست‌خوش تقلیل‌های واجی می‌شوند. از این رو شناسایی این عناصر و وجه تمایز آن‌ها از سایر تکواژهای وابسته، به ویژه وندهای تصریفی، تعیین و توصیف جایگاه و حوزه واژه‌بست‌افزایی آن‌ها در نظریه عام زبانی و تحلیل نظری یا رده‌شناختی زبان کردی بسیار الزامی می‌نماید. توزیع واژه‌بست‌ها به عنوان تکواژهای وابسته در سطوح واج‌شناسی، ساخت‌واژه و نحو ماهیت آن‌ها را روشن می‌کند و این نشان‌دهنده ماهیت بیناحوزه‌ای‌شان است که قرار دادن آن‌ها در طبقات طبیعی واژگانی را از یک سو و تحلیل آن‌ها در یک حوزه خاص را از سوی دیگر مشکل می‌سازد. واژه‌بست‌ها در سطح ساخت‌واژه مقوله‌های مختلف را به عنوان میزبان انتخاب می‌کنند. نقش و توزیع آن‌ها در سطح نحو، اغلب به همان گونه است که از سایر واژه‌های هم‌مقوله آن‌ها انتظار می‌رود و در جایگاه دوم قرار می‌گیرند. واژه‌بست‌های کردی موکری<sup>۱</sup> بسیار سیال اند و مقوله‌های مختلفی در حوزه‌های

---

<sup>۱</sup> گونه زبانی مورد مطالعه در این مقاله گویش موکری است که زیر لهجه‌ای از کردی مرکزی (سورانی) است که در استان آذربایجان غربی در شهرهای مهاباد، بوکان، پیرانشهر، سردشت، نقده و اشونیه به تکلم می‌شود و گونه‌ای از موکری که داده‌های آن در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد مختص شهر اشونیه است. در بیشتر گونه‌های کردی مرکزی قید نمی‌تواند میزبان قرار گیرد ولی در نمونه‌های گوناگونی از گونه مورد بررسی مقاله حاضر، قید می‌تواند میزبان قرار گیرد. مانند:

- |                   |         |
|-------------------|---------|
| 1. bæ-pælə=m      | xward   |
| with-quick=1SG    | eat.PST |
| I ate it quickly. |         |
| 2. bæ-dizi:=m     | di:t    |

گوناگون را به عنوان میزبان برمی‌گزینند.

یکی از حوزه‌هایی که حوزه عملکرد واژه‌بست است، گروه فعلی است. از این رو مقاله پیش‌رو در تلاش است افزون بر تشریح و شناسایی واژه‌بست‌های ضمیری و چگونگی توزیع‌شان (در گونه زبانی مورد بررسی)، آن‌ها را براساس محدودیت‌های جهانی نظریه بهینگی در حوزه گروه فعلی تحلیل و بررسی کرده تا خلاء ناشی از نبود پژوهش‌های توصیفی و نظری زبان‌شناسان کرد و غیر کرد را نسبت به این عناصر کلیدی تا اندازه‌ای پر کند. در این مقاله، برای گردآوری داده‌های زبان کردی موکری از پیکره‌های موجود در منابع کتابخانه‌ای استفاده شد و در صورت نیاز از شیوه میدانی بهره گرفته شده است. نمونه‌گیری‌های شفاهی از گویشوران بومی در شهر اشنویه بوده است و همچنین نگارنده نخست مقاله گویشور بومی زبان کردی موکری است و از شم زبانی وی نیز در گردآوری داده‌ها و درستی یا نادرستی آن‌ها بهره گرفته شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی در پیوند با واژه‌بست در گونه‌های مختلف زبان کردی، در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است. ولی تا جایی که نگارندگان مقاله آگاهی دارند هیچ‌یک از آن‌ها واژه‌بست‌های کردی را در چارچوب نظریه بهینگی بررسی ننموده‌اند. در ادامه، برخی از پژوهش‌های مربوطه به ترتیب زمانی آورده شده‌اند.

مکنزی (Mackenzie, 1961) توصیف جامعی در مورد جایگاه واژه‌بست در کردی سلیمانیه ارائه نموده است. وی پس از معرفی سازه‌های مختلفی از جمله گروه اسمی در نقش‌های مفعول

- |                          |           |
|--------------------------|-----------|
| With-secret=1SG          | see.PST   |
| I saw him secretly.      |           |
| 3. bæ-turræy=m           | bird      |
| With-anger=1SG           | take .PST |
| I took him angrily.      |           |
| 4. bæ-zor=i:m            | gusht:    |
| With-force=1SG           | kill.PST  |
| I killed him forcefully. |           |
| 5. chak=m                | xward     |
| well=1SG                 | eat.PST   |
| I ate it well.           |           |
| 6. zu:=m                 | di:t      |
| early=1SG                | see.PST   |
| I saw him early.         |           |
| 7. xera=m                | bird      |
| fast/quickly=1SG         | take .PST |
| I took him fast/quickly. |           |
| 8. jiwan=im              | nusi:     |
| beautifully =1SG         | write.PST |
| I wrote him beautifully. |           |

فعل متعدی و فاعل فعل لازم، گروه حرف اضافه و فعل بیان می‌دارد که واژه‌بست نشانگر شخصی به هر یک از سازه‌های مورد اشاره که در ابتدای گروه قرار گیرند پیوسته می‌شوند. مکنزی (همان) می‌افزاید هنگامی که واژه‌بست به فعل پیوسته شود با محدودیت اتصال تنها یک واژه‌بست روبرو می‌شود و در این حالت واژه‌بست پس از عناصری از جمله نشانگر وجه، پیشوند منفی‌ساز، ریشه فعلی، صفت مفعولی یا جز پیش فعل ظاهر می‌شود. به گمان وی، واژه‌بست به لبه راست گروه فعلی (در شیوه نگارش انگلیسی) پیوسته شده و در جایگاه دوم قرار می‌گیرد و وقتی فعل عضو اول گروه فعلی باشد، واژه‌بست به درون فعل وارده شده و پس از اولین تکواژ فعل جای می‌گیرد.

سمویلین (Samvelian, 2007a) معتقد به وجود ضمائر مستقل، ضمائر واژه‌بستی و پایانه‌های شخصی فعلی در کردی سورانی است. وی نیز مانند دیگر زبان‌شناسان بر این باور است که پایانه‌های فعلی میزبان فعلی می‌پذیرند، ولی واژه‌بست‌ها بدون محدودیت در انتخاب میزبان در جایگاه‌های مختلفی واقع می‌شوند. در واقع، این گونه از واژه‌بست‌ها، واژه‌بست‌های ویژه هستند و به واژه‌بست‌های جایگاه دوم معروف اند. یعنی قلمرو واژه‌بست‌افزایی آن‌ها گروه فعلی هستند و به لبه راست نخستین سازه قلمرو خود (در شیوه نگارش انگلیسی) افزوده می‌شوند.

سمویلین (Samvelian, 2007b, p. 270) بر این باور است در کردی مرکزی وقتی فعل تنها سازه گروه فعلی باشد واژه‌بست پس از پیشوند واقع می‌گردد و در صورت نبود پیشوند واژه‌بست پس از فعل و قبل از پایانه شخصی می‌آید.

هیگ (Haig, 2008) معتقد است وجود واژه‌بست‌ها باعث ایجاد تفاوت میان گونه‌های شمالی کردی از گونه‌های جنوبی می‌شود. هیگ (همان، ۲۰۲۰) بر این باور است که ضمیر شخصی می‌تواند نقش‌های فاعل و مفعول در زمان حال، مفعول در زمان گذشته، کنش‌گر در زمان حال و گذشته را ایفا کنند، ولی برای مفعول حرف اضافه از واژه‌بست استفاده می‌شود. دستور واژه‌بست‌های ضمیری از دیدگاه هیگ (Haig, 2008)، پیچیده‌ترین ویژگی زبان کردی است و مکنزی (Mackenzie, 1961) فقط به معرفی آن‌ها پرداخته و جنبه‌هایی از آن پوشیده مانده است.

محمدابراهیمی و دانش‌پژوه (Mohammad Ebrahimi & Daneshpazhoh, 2008) واژه‌بست‌های زبان کردی مهابادی و روابط دستوری و معنایی آن با فعل در چهارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی مورد بررسی قرار دادند و سپس حالت نمایی و مطابقت فعل و ضمائر وابسته به آن تحلیل نمودند. از آن جایی که واژه‌بست‌ها موضوع‌های فعل هستند در نمودارهای درختی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی می‌توانند یک گروه نحوی به خود اختصاص دهند.

دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2008, p. 88) در مورد جایگاه واژه‌بست در بلوچی (که

به باور وی بسیار با نحوه جایگیری واژه‌بست در کردی شباهت دارد) جایگاه واژه‌بست‌های کنش‌گر در زمان گذشته را پس از نخستین سازه گروه فعلی (همان جایگاه دوم) می‌داند. کورن (Korn, 2009) بر این باور است که بیشتر زبان‌های غربی ایرانی معاصر دارای ضمائر پی‌بستی هستند که «ضمائر پسوندی» و «واژه‌بست‌های ضمیری» نامیده می‌شوند. عناصر مورد اشاره به جای عناصر تکیه‌بر همتای خود به کار برده می‌شوند و در همه حالت‌های غیر فاعلی، از قبیل نشان‌دهنده مفعول، مالک و کنایی (در گونه‌هایی که این ساختار را دارند به عنوان کنش‌گر بروز پیدا می‌کنند) ایفای نقش می‌کنند.

والتر (Walther, 2012) معتقد به وجود میان‌بست<sup>۱</sup> در کردی سلیمانیه است و به رفتار نامنظم نشانگرهای شخصی سیال در چهارچوب نظریه «ساختواژها نقش پارادایم<sup>۲</sup> ستامپ<sup>۳</sup> می‌پردازد و دیدگاهی واژگرایانه دارد. به منظور توجیه جای‌گیری واژه‌بست‌های کردی سورانی دسترسی به ساختار ساخت‌واژی سازه مورد نظر ضروری است. به ویژه رفتار نامنظم آن‌ها در زمان‌های کامل کردی سورانی تنها به کمک بررسی ساختار داخلی ساخت‌واژی آن‌ها امکان‌پذیر است. وی الگوی کلی صرف فعلی را متشکل از مجموعه‌ای از پیشوندها و خوشه‌های پسوندی می‌داند که به دور ریشه فعلی می‌آیند و ترتیب قرارگیری آن‌ها را چنین می‌داند: پیشوند(ها) + ریشه فعل + پسوند(ها).

کریمی (Karimi, 2014) دو الگوی غالب در زبان‌های ایرانی را در چهارچوب نظریه کمیته‌گرا بررسی نموده‌اند که عبارت‌اند از در الگوی اول فعل متعدی با مفعول در مطابقت کامل قرار دارد و فاعل حالت‌نمای کنایی/غیرفاعلی (غیرمستقیم) و مفعول حالت فاعلی (مستقیم/پی‌نشان) می‌پذیرد. در زبان‌هایی که از این الگو پیروی می‌کنند، مطابقت به وسیله وندهای فاعلی (شناسه‌ها) روی فعل نشان داده می‌شوند. در الگوی دوم فاعل بند متعدی فاقد حالت‌نمای فاعلی بوده و یک واژه‌بست غیر فاعلی آن را مضاعف‌سازی می‌کند. ویژگی دیگر این الگو این است که مطابقت فعل با مفعول وجود ندارد و فعل شکل پیش فرض (وند/شناسه سوم شخص مفرد) می‌پذیرد.

دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2012) بر غنی بودن نظام مطابقت به عنوان یکی از پارامترهای قوی رده‌شناختی در زبان‌های ایرانی تاکید می‌کند و پارامتر مورد اشاره را در زبان کردی مرکزی سلیمانیه مورد بررسی قرار می‌دهد و آن در نتیجه وجود واژه‌بست‌های ضمیری

<sup>1</sup> endoclitics

<sup>2</sup> Paradigm Function Morphology

<sup>3</sup> Stump

می‌داند. وی به نقل از مکاروس (Macarus, 1958) بیان می‌کند که در عبارت‌هایی که فعل تنها عضو آن‌ها باشد توالی عناصر چنین خواهند بود: فعل + واژه‌بست ضمیری + کنش‌پذیر (مفعول). البته واژه‌بست ضمیری سوم شخص مفرد (=f) از این توالی به دور است و پس از وند نشانه مفعولی جای می‌گیرد. دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2012) با پیروی از هیگ و واژه‌بست ضمیری در فعل متعدی زمان گذشته را نشانه مطابقت می‌داند و حضور آن اجباری است.

میردهقان و مبینی (Mirdehghan & Mobini, 2013) واژه‌بست و انواع واژه‌بست‌های ضمیری در کردی سورانی دیوان‌دره را در مورد نظام مطابقت و نظام حالت را بررسی نمودند تا روندهای متفاوتی را در مورد مطابقت در فعل‌های لازم و متعدی و نظام حالت در زمان حال و گذشته آشکار سازند. ایشان با تأکید بر این نکته که واژه‌بست‌ها جزء لاینفک ساختار جمله‌ها در گویش سورانی هستند نشان دادند که در این زبان برای نشان دادن نظام مطابقت از دو دسته واژه‌بست «برایی و فاعلی» بهره گرفته می‌شود. از میان این دو دسته واژه‌بست برای نقش مهمی در نظام حالت در زمان گذشته به عهده دارد. فاعل در بندهای لازم به وسیله واژه‌بست فاعلی نشان داده می‌شود که به شکل پسوند به انتهای فعل افزوده می‌شود، ولی فاعل بند متعدی به وسیله واژه‌بست برای پیوسته به انتهای مفعول نشان داده می‌شود.

علی‌نژاد و محمدی‌بلبان‌آباد (Alinezhad & MohammadiBolbanAbad, 2013a; Alinezhad & MohammadiBolbanAbad, 2013b) با یادآوری اینکه حروف اضافه کردی با توجه به نوعشان (ساده و مطلق) متمم‌های مختلفی متعلق به مقوله‌های اسم، ضمیر مستقل و واژه‌بست می‌پذیرند. در این زبان حروف اضافه ساده قبل از گروه‌های اسمی ضمائر مستقل می‌آیند، در حالی که گروه دیگر حروف اضافه (مطلق) قبل از واژه‌بست‌ها واقع می‌شوند. متمم‌های (واژه‌بست‌های) حروف اضافه مطلق قابلیت جداشدن از هسته خود و حرکت به سمت راست یا چپ (در شیوه نگارش انگلیسی) حوزه مورد نظر خود هستند. هنگامی که فعل جمله متعدی و به شکل متعدی باشد، متمم واژه‌بستی به سمت راست حرکت می‌کند و به ضمیر وندی تبدیل شده و سپس به فعل جمله متصل می‌شود، اما وقتی به سمت چپ حرکت کند به اولین سازه گروه فعلی (VP) پیوسته می‌شود و در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

اوپینگن (Öpengin, 2013, p. 282) جایگیری واژه‌بست در جایگاه دوم را ساخت‌وازی می‌داند زیرا واژه‌بست پس از اولین تکواژ قرار می‌گیرد.

یوگل (Jügel, 2014, p. 151) ضمن بررسی نظام مطابقت در کردی مرکزی بیان می‌کند که پی‌بست‌های ضمیری (واژه‌بست‌های نشانگر شخصی) در شکل گذشته فعل‌های متعدی رفتار

نحوی-ساخت‌واژی خود را حفظ کرده و به عنوان پایانه‌های شخصی ایفای نقش نموده و در جایگاه دوم گروه خود واقع می‌شوند.

محمدی‌بلبان‌آباد (MohammadiBolbanAbad, 2014) دو سطح گروه واژه‌بست و گروه واجی از سطوح هفت‌گانه سلسله‌مراتب نوایی را در چهارچوب واج‌شناسی نوایی در دو زبان فارسی و کردی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی بیان می‌دارد که به منظور اشتقاق ساخت کلمه‌واجی یکی از فرایندهایی که همواره مورد بررسی قرار می‌گیرد فرایند تکیه است. در چارچوب واج‌شناسی نوایی، فرایند تکیه در زبان کردی و فارسی از نوع قاعده‌لبه حوزه است که همواره بر روی آخرین هجای واژه‌واجی قرار می‌گیرد. بر اساس جهانی‌های تلویحی واژه‌واجی در این دو زبان از نوع چهارم بوده و بزرگترین واژه‌واجی که همان کلمه مرکب است را دارند. در این دو زبان وندها عناصر درون حوزه‌ای هستند که به مقوله‌میزبان خود پیوسته شده و یک واژه‌واجی را تشکیل می‌دهند. عناصری که بر اساس جهانی تلویحی بالا خارج از این حوزه قرار دارند را پیوست‌های واژه‌واجی گویند که به سازه‌میزبان خود ضمیمه شده و بر روی هم گروه واژه‌بست را تشکیل می‌دهند.

سلطان (Sultan, 2014) رفتار و توزیع واژه‌بست‌ها، دوگان‌سازی<sup>۱</sup> آن‌ها و خوشه‌های واژه‌بستی در کردی شبکی را با توجه به قانون واکرناگل مورد بررسی قرار می‌دهد. واژه‌بست‌های این گونه‌کردی مشتمل اند بر واژه‌بست‌های ضمیر فاعلی، مفعولی (صریح و غیر صریح)، ملکی، اشاره، اضافه، تصغیر، افزایشی، نمودی، زمانی، فعلی ربطی و منفی. شبکی ۳۶ واژه‌بست ضمیری دارد که همه آن‌ها می‌توانند در معرض واژه‌بست‌افزایی قرار گیرند. این دسته از واژه‌بست‌ها دارای صورت‌های ضعیف و قوی هستند. صورت‌های ضعیف فاعلی، مفعولی غیر صریح و ملکی آن‌ها با قانون واکرناگل همخوانی دارند.

حسینی (Hosseini, 2015) به بررسی واژه‌بست‌های کردی اردلانی براساس نظریه‌های عام حاکم بر واژه‌بست‌ها پرداخته‌است. وی بر مبنای نظریات زویکی (Zwicky, 1977) انواع واژه‌بست (ساده و ویژه) را معرفی و سپس جایگاه واژه‌بست و واژه‌بست‌های جایگاه دوم را مشخص نمود. حسینی واژه‌بست‌های ضمیری را به چهار دسته گروه‌بندی کرده‌است: واژه‌بست‌های فاعلی، واژه‌بست‌های مفعولی، واژه‌بست‌های مفعولی غیر صریح، واژه‌بست‌های ملکی. وی معتقد است که واژه‌بست‌های اردلانی در مقابل حرکت مقاومت می‌کنند. از دیگر یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان به حضور واژه‌بست‌های اردلانی در جایگاه‌های متفاوتی از جایگاه واکرناگل اشاره کرد.

<sup>1</sup> clitic doubling



حسینی معتقد است که در خوشه‌های واژه‌بستی اردلانی واژه‌بست‌های مفعولی و ملکی بر واژه‌بست‌های فاعلی تقدم دارند و واژه‌بست‌های فاعلی متمایل به افزوده شدن به آخرین جایگاه واژه‌بستی هستند.

غریب و پای (Gharib and Pye, 2018) با اشاره بر ماهیت چالش‌برانگیز واژه‌بست‌ها در هر دو حوزه ساخت‌واژه و نحو، می‌توانند نشان‌دهنده حالت کنایی نیز باشند. آن‌ها معتقدند که نشان‌گرهای شخصی مستقیم معمولاً وندهای فعلی هستند، در حالی که نشان‌گرهای شخصی غیر فاعلی به نظر می‌رسد واژه‌بست باشند. آزمون‌های مختلف واژه‌بست نشان می‌دهند که هم نشان‌گرهای شخصی مستقیم و هم نشان‌گرهای شخصی غیر فاعلی مشخصه‌های وندها و واژه‌بست‌ها را دارند.

کلامی (Kalami, 2016) واژه‌بست‌های کردی اردلانی را معرفی و سپس تحلیلی از اشتقاق صرفی و نحوی آن‌ها در چهارچوب نظریه ساخت‌واژه تحلیلی ارائه نموده است. وی با بهره‌گیری از آزمون‌های زوئیکی و پولوم (Zwicky & Pullum, 1983; quoted in Kalami, 2016) واژه‌بست‌ها و وندهای این گویش را مشخص کرده و پراکندگی آن‌ها را در جمله‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. به کمک آزمون‌های مورد اشاره معلوم گردید که در زبان کردی اردلانی ۹ واژه‌بست و ۶ وند تصریفی وجود دارند. وی با اشاره به اینکه نظریه‌های واژه‌گرا همواره با ارائه معیارهایی در تلاش اند واژه‌بست‌ها را از وندها متمایز کنند و دو حوزه متفاوت را عهده‌دار تولید و تعیین توزیع واژه‌بست و وند می‌دانند به این معنا که واژه‌بست‌ها در نحو و وندها در واژگان تولید و توزیع می‌شوند. اما در نظریه ساخت‌واژه توزیعی این فرض پذیرفتنی نیست، چرا که بخشی به نام واژگان وجود ندارد.

کریمی (Karimi, 2017) به اهمیت واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی می‌پردازد و بیان می‌دارد که بررسی پراکندگی صوری آن‌ها در گزینش میزبان در حوزه‌های گوناگونی که در این گزینش نقش دارند، مورد مطالعه محث‌های نظری بوده است. وی در مقاله خود توزیع واژه‌بست‌های شخصی مطابقت‌نما را در زبان‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده و سپس ماهیت گزینش میزبان آن‌ها را تبیین نموده است. کریمی نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های مطابقت‌نما در زبان‌های مورد اشاره برای گزینش میزبان در محدوده گروه فعلی هسته‌ای آزادی عمل دارند و به بیانی، می‌توان آن‌ها را واژه‌بست‌های جایگاه دوم نام‌گذاری کرد.

کریم (Kareem, 2016) ساختار نحوی عبارت‌های کردی مرکزی را بررسی کرده و اساساً به نحو فعل و مقوله‌های فعلی از قبیل زمان، نمود، مطابقت، ساختار موضوع و تعامل آن‌ها را با

فعل‌های مختلف می‌پردازد و پدیده‌های مختلف زبانی که پیش‌تر به طور دقیق و ریزبینانه مطالعه و بررسی نشده‌اند را واکاوی می‌کند. وی در ادامه به اهمیت ویژگی مطابقت در کردی مرکزی به عنوان زبانی با آرکتیو ناقص می‌پردازد که در آن پی‌بست‌های ضمیری نقش کلیدی بر عهده دارند.

جلال طاهر (Jalal Taher, 2017) با مقایسه واژه‌بست‌های ضمیری کردی مرکزی و زبان‌های رومیایی در چهارچوب نظریه‌های حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینگی نشان داد که واژه‌بست‌های ضمیری کردی نشانگر فاعل و مفعول هستند.

محمدی‌راد (Mohammadirad, 2020) پس از بررسی شکل و چگونگی اتصال واجی واژه‌بست در شاخه غربی زبان‌های ایرانی نشان داد که در بعضی از آن‌ها واژه‌بست فقط به صورت پی‌بست و در بعضی هم به صورت پیش‌بست و هم به صورت پی‌بست به میزبان پیوسته می‌شود. وی بر این باور است که واژه‌بست در کردی مرکزی و موکری همواره به صورت پی‌بست نمایان می‌شود.

یوسفی و همکاران (Yousefi et al, 2021) برای شناسایی واژه‌بست‌ها در وفسی از هفت معیار در سه سطح واج‌شناسی، صرف و نحو به کار گرفته‌اند و هشت نوع واژه‌بست را شناسایی نمودند. ایشان پس از آوردن نمونه‌های از ستیلو (Stilo, 2004a; 2004b; 2010) و تأکید بر اینکه وی شناسه‌های متممی وفسی را فقط براساس عوامل نحوی در دو دسته «وندی» و «واژه‌بستی» قرار داده‌اند. یوسفی و همکاران (همان) به کمک دستور واژی-نقشی شناسه‌های متممی وفسی را از حیث «وند» یا «واژه‌بست» بودن شناسایی نمودند. عامل‌های گوناگونی در پیدایش و تعیین جایگاه واژه‌بست‌ها از جمله عوامل نحوی، فرایندهای واجی/نوایی، ترکیبی از فرایندهای نحوی-واجی نوایی، و عوامل معنایی/کاربردشناختی نقش دارند.

### ۳. واژه‌بست ضمیری کردی موکری

کردی مرکزی و موکری همانند برخی از زبان‌های ایرانی از جمله فارسی، بلوچی، وفسی و موارد مشابه دارای دو دسته نشانگر مطابقت شخصی<sup>۱</sup> است که مشتمل اند بر «دسته مستقیم<sup>۲</sup>» و «دسته غیر مستقیم<sup>۳</sup>» که گاهی به ترتیب Set<sub>1</sub> و Set<sub>2</sub> نامیده می‌شوند که در جدول (۱) دیده می‌شوند:

<sup>1</sup> Person agreement markers (PAM)

<sup>2</sup> direct set

<sup>3</sup> oblique set

### جدول ۱: نشانگر مطابقت شخصی کردی مرکزی و موکری

	شخص	دسته مستقیم (کردی مرکزی و موکری)	دسته غیر مستقیم (کردی مرکزی)	دسته غیر مستقیم (کردی موکری)
مفرد	1	-(i)m	=(i)m	=(i)m
	2	-î/-y	=(i)t	=(i)t
	3	-ê(t)/-a(t)/-Ø	=î/=y	=î/=y
جمع	1	-în/-yn/-n	=man	=in(n)
	2	-(i)n	=tan	=u(w)
	3	-(i)n	=yan	=yan

صورت‌های درون کمانک در جدول بالا پس از واکه نمایان می‌شوند و هنگامی که پس از پی‌بستی که با واکه آغاز شده باشد قرار گیرند، واکه موجود در *-im* و *-it* حذف می‌شود اما *î* سوم شخص مفرد با واژه مختوم به واکه قبل از خود ادغام شده و به *î* تبدیل می‌شود (Mackenzie, 1961, p. 73). لازم به گفتن است که صورت‌های دسته اول و دوم در کردی مرکزی و موکری کاملاً از یک‌دیگر جدا هستند، ولی اول شخص و دوم شخص جمع موکری با اول شخص و دوم شخص جمع کردی مرکزی متفاوت هستند. نشانگرهای مطابقت شخصی دسته مستقیم وند و نشانگرهای مطابقت شخصی دسته غیر مستقیم واژه‌بست هستند و قابلیت حرکت بالا ویژگی بارز واژه‌بست‌ها به شمار می‌آید، در حالی که وندها از چنین قابلیت برخوردار نیستند. در حوزه اسمی نشانگرهای مطابقت شخصی دسته غیر مستقیم بیانگر مالکیت هستند و در حوزه فعلی با توجه به زمان فعل به عنوان کنش‌گر یا کنش‌گریز ایفای نقش می‌کنند.

#### ۴. چارچوب نظری

نظریه بهینگی، به عنوان یک نظریه عاری از هر گونه اشتقاق، یکی از مطرح‌ترین و تأثیرگذارترین انشعابات در چارچوب زبان‌شناسی زایشی در سال ۱۹۹۳ بود. این نظریه به وسیله پرنس و سمولنسکی (Prince and Smolensky, 1993) ارائه گردید و تأثیری شگرف بر زبان‌شناسی و به‌ویژه واج‌شناسی داشته و دارد. به گونه‌ای که برخی به عنوان یگانه پیشرفت و مهم‌ترین پیشرفت انجام گرفته در زبان‌شناسی زایشی در طول دهه نود قرن بیستم از آن نام می‌برند (Boersma and et al, 2000, p. 1). دیدگاه این نظریه با وارثان زایشی خود به ویژه اصول و پارامترها کاملاً متفاوت است که فراگیران را به عنوان تعیین‌کننده مجموعه‌ای از انتخاب‌های دوارزشی تخطی‌ناپذیر می‌پندارد. در مقابل، در نظریه بهینگی دستور جهانی معتقد به وجود مجموعه‌ای از محدودیت‌های تخطی‌پذیر است. نظریه مورد اشاره نشان‌داری را به جوهر اصلی کار خود در

حوزهٔ زبان تبدیل کرد. نشان‌داری به شکل محدودیت‌های برون‌دادی جهانی در زبان‌ها وجود دارند که مستقیماً بیانگر الگوی نشان‌دار یا بی‌نشان هستند. هر چند یکی از هدف‌های اصلی پرنس و سمولنسکی (Prince and Smolensky, 1993) از مطرح کردن نظریهٔ بهینگی حل مشکلات گوناگون واج‌شناسی زایشی بود ولی بعدها کاربرد این نظریه به حوزه‌های نحو و ساخت‌واژه نیز کشیده شد. در نظریهٔ واج‌شناسی زایشی که از سوی چامسکی و هله (Chomsky and Halle, 1968) ارائه گردید، قواعد بازنویسی اساس کار بود و چگونگی عملکرد و تعامل آن‌ها با یک‌دیگر از یک ترکیب خطی پیروی می‌کرد. قواعد خطی یکی پس از دیگری بر درون‌داد اعمال می‌شدند و هر برون‌دادی درون‌داد قاعدهٔ بعدی می‌شد. ناکارآمدی این قواعد و ترتیب خطی اعمال آن‌ها موجب شد تا در اواخر دههٔ ۷۰ و اوایل دههٔ ۸۰ میلادی تلاش‌های چشم‌گیری برای محدود کردن رده‌شناسی قواعد و تعاملات آن‌ها انجام شود. ویژگی‌های جهانی قواعد زبانی عنوان «شرط» به خود گرفتند و رفته‌رفته بیشتر قواعد به شرط تبدیل شدند و به مطرح کردن «نظریهٔ اصول و پارامترها» از سوی چامسکی در سال ۱۹۸۱ (Chomsky, 1981) انجامید. بر اساس این نظریه دستور زبان هر زبانی بر اساس اصول ثابت و تعداد محدودی پارامتر دو ارزشی استوار است. افزون بر شروط بالا به منظور محدود کردن چگونگی اعمال قواعد، شرط محلی بودن در مورد بازنمایی مطرح گردید. با وجود اینکه قواعد بازنمایی ساده‌تر و در عین حال، راهگشاستر و کارآمدتر می‌شدند زبان‌شناسان تا اواخر دههٔ هشتاد نتوانستند به یک نظریه منسجم در مورد قواعد واجی دست یابند. آن‌ها برای توجیه پدیده‌های زبانی، از قواعد واجی و محدودیت‌های واجی کمک گرفتند. در بیشتر نظریه‌های قاعده‌بنیاد یا گشتاری با اعمال مجموعه‌ای از فرایندهای برون‌داد به برون‌داد تبدیل می‌شود، ولی در نظریهٔ بهینگی که نظریه‌ای محدودیت-بنیاد است، هر ساختار دارای یک درون‌داد و یک برون‌داد است که صورت‌هایشان بر اساس مجموعه‌ای از محدودیت‌های جهانی تعیین می‌شود. این محدودیت‌ها نقض‌پذیر بوده و دارای ترتیب خاصی (زبان-ویژه) هستند. انتخاب برون‌داد یا گزینهٔ بهینه در این نظریه بدون دخالت فرایندهای اشتقاق تولید می‌شود یعنی از میان گزینه‌های ممکن در درون‌داد، گزینه‌ای که کمترین محدودیت را نقض می‌کند و بیشترین هماهنگی را با ترتیب محدودیت‌ها دارد، به عنوان گزینه‌ای بهینه انتخاب می‌گردد. کاگر (Kager, 1999, p. 16) بر این باور است که هیچ برون‌دادی وجود ندارد که تمامی محدودیت‌ها را اقناع کند، وی از این تعبیر به «توهم تکاملی» یاد می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد محدودیت‌ها جهانی هستند ولی چگونگی مرتبه‌بندی‌شان جهانی نیست. ماهیت و طبیعت جهانی محدودیت‌ها موجب پیش‌بینی‌هایی در مورد رده‌شناسی زبان می‌شود و به سبب

همین مرتبه‌بندی متفاوت آن‌ها و تعارض‌شان زبان‌های گوناگونی به وجود می‌آیند (Kager, 1999, p. 4). فرض نظریه بهینگی بر این است که تعداد زبان‌ها نمی‌تواند بیشتر از چینش مرتبه‌بندی محدودیت‌ها باشد. محدودیت‌های نظریه بهینگی به دو گروه محدودیت‌های نشان‌داری و وفاداری/پایایی گروه‌بندی می‌شوند. دستور زبان فرآورده برقراری توازن این دو دسته از محدودیت‌هاست. محدودیت‌های نشان‌داری پویا بوده و ناظر بر خوش ساخت بودن برون‌داد هستند و ساختارهایی که تولید و درک آن‌ها با مشکل همراه باشند، مانند خوشه همخوانی و گروه‌های بدون هسته آشکار، را غیر مجاز می‌دانند. این محدودیت‌ها ریشه در اصول جهانی نشان‌داری دارند و گاهی به صورت گزاره‌های مثبت و گاهی به صورت گزاره‌های منفی بیان می‌شوند. دسته دوم محدودیت‌ها محدودیت‌های وفاداری هستند که ناظر بر یکسان بودن درون‌داد و برون‌دادند یعنی هر آنچه در درون‌داد وجود دارد باید در برون‌داد هم وجود داشته باشد. برای نمونه، تمام همخوان‌های درون‌داد باید در برون‌داد حفظ شوند یا تمامی مشخصه‌های واژی-نحوی موجود در درون‌داد باید در برون‌داد هم وجود داشته باشند. به تعبیری این دسته از محدودیت‌ها با هر گونه تغییری از درون‌داد به برون‌داد مخالفت می‌کنند. محدودیت‌های مورد اشاره با توجه به ضرورت و نیاز به بهینه بودن پردازش زبان وجود دارند. محدودیت‌های وفاداری فقط خاص درون‌داد نیستند بلکه به عناصر حاضر در برون‌داد نیز توجه دارند؛ محدودیت‌های نشان‌داری به عناصر حاضر در درون‌داد ارتباطی ندارند و فقط حاکم بر برون‌داد هستند. به این معنا که محدودیت‌های نشان‌داری بعضی از ساختارها را بر برخی دیگر برتری داده، در حالی که محدودیت‌های وفاداری از ایجاد هر گونه تغییری در ساختار گزینه‌های درون‌داد جلوگیری می‌کنند. این دسته از محدودیت‌ها تقابل واژگانی را حفظ و شکل تنوع واژگانی را محدود می‌کنند. این خاصیت محدودیت‌های وفاداری ارتباط یک‌به‌یک صورت و معنا شدت می‌بخشد. این پدیده بار دیگر تأییدکننده وجود تعارض بین محدودیت‌هاست. با توجه به اینکه هر دوی این محدودیت‌ها بیشتر با برون‌داد سروکار دارند می‌توان گفت که نظریه بهینگی نظریه‌ای برون‌داد-بنیاد است. گفتنی است که در نظریه بهینگی هیچ‌یک از محدودیت‌ها به گونه‌ای نیستند که فقط به درون‌داد توجه کنند و این خود یکی از تفاوت‌های اساسی نظریه بهینگی با نظریه سنتی واج‌شناسی زایشی است. از سوی دیگر در نظریه بهینگی محدودیت‌ها نه با یک‌دیگر تبانی می‌کنند و نه یکی دیگری را سرکوب می‌کند. این نظریه بر مرتبه‌بندی سخت‌گیرانه محدودیت‌ها استوار است (Kager, 1999, p. 12).

## ۵. تعیین جایگاه واژه‌بست در کردی موکری

در بخش بررسی پیشینه پژوهش گفته شد که بیشتر زبان‌شناسان بر این باورند که واژه‌بست در

جایگاه دوم و پس از نخستین سازه گروه قرار می‌گیرد. واژه‌بست‌های موکری مقوله‌های گوناگونی را برای میزبانی بر می‌گزینند. این مقوله‌ها می‌توانند اسم، گروه اسمی، صفت، حرف اضافه، گروه حرف اضافه و حتی قید باشند. سمویلین (Samvelian, 2007a, p. 270) بر این باور است در کردی مرکزی وقتی فعل تنها سازه گروه فعلی باشد، واژه‌بست پس از پیشوند واقع می‌گردد و در صورت نبود پیشوند واژه‌بست پس از فعل و پیش از پایانه شخصی می‌آید. اوپینگن (Öpengin, 2013, p. 282) جایگیری واژه‌بست در جایگاه دوم را ساخت‌وازی می‌داند، زیرا واژه‌بست پس از اولین تکواژ قرار می‌گیرد. سمویلین (Samvelian, 2007a, p. 272) با آوردن نمونه‌های (۱) و (۲) از کردی مرکزی نشان می‌دهد جایگاه دوم همیشه پس از نخستین تکواژ نخواهد بود:

1. **nard-in=î**  
send.PST-3PL=3SG  
'He sent them.'

در نمونه (۱)، پایانه شخصی *-in* و ریشه فعلی *nard* با هم یک واژه‌واژگانی تشکیل داده که میزبانی واژه‌بست را عهده‌دار می‌شود. در کردی مرکزی و موکری وقتی واژه‌بست سوم شخص مفرد باشد، باید پس از پایانه شخصی قرار گیرد.

2. **nard-u=tan-in**  
send.PST-PTCP=2PL-3PL  
'You have sent them.'

واژه‌بست‌ها و پایانه‌های شخصی نمی‌توانند بین زنجیره متشکل از فعل و وند صفت مفعولی قرار گیرد. در نمونه (۲) پسوند *-u* بلافاصله به ریشه فعلی پیوسته شده و پیش از واژه‌بست و پایانه شخصی نمایان شده‌است. سمویلین (Samvelian, 2007a, p. 272-273) چنین برداشت می‌کند که در موارد بالا واژه‌بست در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. البته دیدگاه واقع شدن واژه‌بست در جایگاه سوم به کمک دلایل نوایی رد می‌شود. در نمونه (۲) تکیه واژگانی روی پسوند صفت مفعولی قرار گرفته و نه روی ریشه فعلی و این دو با هم یک واژه واجی تشکیل داده که میزبان واژه‌بست خواهد بود. بنابراین واژه‌بست در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. هیک (Haig, 2008) و دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2012, p. 55) نیز معتقدند جایگاه واژه‌بست پس از نخستین سازه گروه فعلی (همانا جایگاه دوم) است. دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam, 2008, p. 88) جایگاه واژه‌بست‌های کنش‌گر در زمان گذشته در بلوچی (که به باور وی بسیار با چگونگی جایگیری واژه‌بست در کردی شباهت دارد) را پس از نخستین سازه گروه فعلی (همان جایگاه دوم) می‌داند. بنابراین می‌توان گفت که حوزه واژه‌بست‌افزایی VP یا NP است، در صورتی که حوزه NP باشد واژه‌بست به خود گروه و اگر حوزه VP باشد واژه‌بست به اولین دختر گروه یعنی

اولین سازه گروه پیوسته می‌شود و هنگامی که اولین دختر گروه معرف اسم (عدد یا واحد شمارش) باشد معرف اسم میزبان واژه‌بست خواهد بود. اگر حوزه واژه‌بست افزایی گروه فعلی باشد و فعل دارای جزء پیش فعل باشد واژه‌بست به اولین تکواژ/ عنصر گروه فعلی پیوسته می‌گردد. نگارندگان نیز پس از بررسی و مطالعه پژوهش‌های پیشین به این نتیجه رسیدند که واژه‌بست در جایگاه دوم نمایان می‌شود.

## ۶. واژه‌بست افزایی در نظریه بهینگی

نظریه ساخت‌واژی واژه‌بست‌های ویژه بر اساس سازوکارهایی استوار است که طی آن‌ها در بازنمایی واجی یک گروه نحوی به وسیله معرفی عنصری جدید (برای نمونه یک واژه‌بست) تغییراتی انجام می‌گیرد. جایگاه تغییرات واجی عنصر معرفی شده به گونه‌ای که بسیار به شیوه ساخت‌واژی وندافزایی شباهت دارد تعیین می‌شود. گفتنی است که تعیین محل تغییرات به وسیله مجموعه‌ای از محدودیت‌ها به ویژه محدودیت‌های ترادف و تعامل این محدودیت‌ها با سایر تغییرات مشخص می‌گردد که لازمه معرفی و تشریح مفاهیم میزبان و حوزه از نقطه نظر نظریه بهینگی است. میان‌وندها با توجه به محدودیت‌های نوایی مربوط به ساختار هجا و نحوه افزوده شدن به آن‌ها به واحدهایی مانند هجا، پایه و موارد مشابه به واژه‌ها وارد می‌شوند. در حالی که واژه‌بست‌ها این گونه جایگیری نمی‌کنند. زیرا این گونه جای‌گیری منجر به وارد شدن واژه‌بست به درون نخستین واژه نوایی وارد می‌شود که طی آن محدودیت (Integrity(Word) حفظ یکپارچگی واژه نقض خواهد شد. در عوض واژه‌بست مجاز است به یکی از لبه‌های کلمه واجی (لبه راست یا چپ) افزوده شود.

محدودیت حفظ یکپارچگی واژه تقریباً در تمامی زبان‌های بشری بالاترین و بی‌رقیب‌ترین محدودیت به شمار می‌آید. به منظور تعیین میزبان در نظریه بهینگی اگر واژه‌بست  $cl_i$  را در نظر بگیریم می‌بینیم که از یک سو محدودیت «حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه  $LeftMost(cl_i)$ » مطلقاً اجازه حضور واژه‌بست در جایگاه نخستین را نمی‌دهد و از سوی دیگر نیز مطابق «محدودیت حفظ یکپارچگی واژه (Integrity(Word)» واژه بست نمی‌تواند به درون واژه وارد شود. همچنین اگر واژه‌بست در ابتدای واژه قرار گیرد، محدودیت  $NonInitial(e)$  که طبق آن نمی‌توان واژه‌بست را در ابتدای واژه واجی آورد، نقض می‌شود (محدودیت‌های مورد اشاره از سوی آندرسن (Anderson, 1994, p. 15) ارائه گردید). پیش‌تر گفته شد که بر اساس قانون واکرناگل، واژه‌بست‌ها در جایگاه دوم یعنی پس از نخستین واژه گروه واقع می‌شوند یعنی پس از اولین دختر گروه نحوی حوزه‌ای که واژه‌بست در آن نمایان می‌شوند. در واقع، واژه‌بست به داخل

یک گروه افزوده می‌شود؛ بنابراین به منظور تعیین جایگاه آن به خانواده دیگری از محدودیت‌ها با عنوان Integrity(XP) نیاز دارد که بر اساس آن‌ها گروهی که حاوی عناصری هستند که بخش‌هایی از گروه نیستند، اجازه حضور ندارند. مطابق محدودیت‌های Integrity(DP)، Integrity(NP)، Integrity(PP) و Integrity(VP) از خانواده محدودیت‌های Integrity(XP) واژه‌بست اجازه ورود به ساختار درونی گروه حرف تعریف و گروه حرف اضافه را ندارد. این دسته از محدودیت‌ها مشخص می‌کنند که هیچ عنصری نمی‌تواند وارد یک حوزه شوند، مگر اینکه نمایانگر یکی از عناصر حوزه باشند. محدودیت‌های حفظ یکپارچگی معمولاً بر محدودیت‌های دیگر مسلط هستند. به باور آندرسن (Anderson, 2005, p. 154) واژه‌بست‌ها تمایل دارند به لبه چپ گروه نوایی<sup>۱</sup> (IP) پیوسته شوند ولی محدودیت  $NonInitial(cl_i, IP)$  بالاتر از محدودیت حضور در چپ‌ترین لبه  $LeftMost(Cl_i)$  قرار می‌گیرد و از حضور واژه‌بست‌ها در ابتدای حوزه جلوگیری می‌کند. با توجه به محدودیت‌های مورد اشاره می‌توان بر اساس سلسله‌مراتب زیر جایگاه حوزه واژه‌بست را نمایان نمود:

### 3. Integrity(XP), $NonInitial(cl_i, XP) \gg LeftMost(cl_i, IP)$

آندرسن (Anderson, 2005, p. 16)

اکنون می‌توان سلسله‌مراتب محدودیت‌های بالا را برای تعیین جایگاه واژه‌بست در حوزه گروه

فعلی مطابق سلسله‌مراتب زیر نشان داد:

### 4. Integrity(VP), $NonInitial(cl_i, VP) \gg LeftMost(cl_i, VP)$

مطابق سلسله‌مراتب بالا یک واژه‌بست تمایل دارد تا جایی که امکان دارد در سمت چپ عبارت قرار گیرد، به شرطی که در ابتدای آن واقع نشود و منجر به گسستگی گروه نحوی مور نظر نگردد. این تحلیل می‌تواند جایگاه واژه‌بست در عبارتی که فعل عنصر آغازین آن باشد را تعیین کند. به این معنا که وقتی در پاره گفته‌ای که فعل در ابتدای پاره گفته قرار گرفته باشد، عناصر تکیه‌بر پیش از فعل (پیشوندها یا جزء پیش فعل) میزبان واژه‌بست خواهند بود. در درون حوزه‌های مختلف واژه‌بست به کمک محدودیت‌های  $EdgeMost$  به لبه‌های حوزه خود پیوسته می‌شود. در نظریه پارامترهای تعیین جایگاه واژه‌بست کلاونز (۱۹۸۵) نخستین و آخرین عنصر حوزه به عنوان میزبان نقش ایفا می‌کردند، اما گاهی واژه‌بست هسته حوزه خود را به عنوان میزبان انتخاب می‌کند. در نظریه‌های توصیفی کلاونز (Klavans, 1985) و آندرسن (Anderson, 1992) فقط یک حوزه برای پارامترهای جایگیری واژه‌بست (تعیین میزبان و تقدم) کافی می‌نماید. ولی در دیدگاه محدودیت‌بنیاد چون محدودیت‌ها جدا هستند، حوزه آن‌ها نیز ممکن است جدا باشند.

<sup>۱</sup> intonational phrase



محدودیت‌های بالا قابلیت نظریه بهینگی در تعیین جایگاه واژه‌بست تأیید می‌کنند. در بخش پسین، نحوه عملکرد آن‌ها در گروه فعلی موکری نشان داده می‌شود.

## ۷. توزیع بهینه واژه‌بست ضمیری موکری در گروه فعلی

هر چند ترتیب واژه‌ها در جمله‌های کردی موکری آزاد است، ولی فعل متمایل به حضور در پایان جمله است. بنابراین میزان واژه‌بست در صورت ظهور آن در گروه فعلی در پایان جمله قرار خواهد گرفت و همان گونه که پیش‌تر گفته شد واژه‌بست تمایل دارد تا جایی که ممکن است به چپ‌ترین لبه میزان پیوسته شود. فعلی که میزبانی واژه‌بست را عهده‌دار می‌شود ممکن است دارای عناصر وابسته پیش از فعل (پیش‌وند یا جزء پیش‌فعل) باشد و یا تنها و بدون عناصر وابسته ظاهر شود. عناصر وابسته قبل از فعل در کردی موکری می‌توانند به عنوان میزان واژه‌بست ایفای نقش کنند و از ترکیب آن‌ها با واژه‌بست ابتدا واژه واجی و سپس گروه واجی ایجاد می‌شود. این عناصر بسته به نوع واژه‌بست‌افزایی (وندی یا درونی) ابتدا واژه واجی و سپس گروه را می‌سازند. لازم به گفتن است که عناصر مورد اشاره یا دارای تکیه هستند یا ممکن در اثر واژه‌بست‌افزایی تکیه ثانویه بگیرند. به این معنا که واژه‌بستی که به جزء پیش‌فعل افزوده می‌شود، در جایگاه دوم گروه واجی با در نظر گرفتن محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای گروه فعلی» در لبه سمت چپ قرار می‌گیرد (نمونه ۵). هنگام پیوستن واژه‌بست کردی موکری به فعل‌های فاقد جزء پیش‌فعل جایگاه واژه‌بست پس از فعل خواهد بود (نمونه ۶) و در این گونه موارد واژه‌بست هرگز به صورت پیش‌بست نمایان نخواهد شد که این مؤید محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه  $NonInitial(Cl_i, VP)$  است که به عنوان بالاترین محدودیت در سلسله مراتب محدودیت‌ها قرار می‌گیرد. بنابراین سلسله مراتب ۲ برای تعیین جایگاه واژه‌بست با میزبانی جزء پیش‌فعل نیز صادق است. در همه حالت‌های مورد اشاره بالا واژه‌بست اجباراً در جایگاه نخستین قرار نمی‌گیرد و روی چپ‌ترین لبه سازه حوزه خود بدون نقض محدودیت حفظ یک‌پارچگی واقع می‌شود. نمونه‌های (۵) و (۶) جایگاه واژه‌بست را در گروه فعلی نشان می‌دهند:

5.  $dæ=in-guʒ-in$   
IMPF=1PL.O.kill-1PL  
آن‌ها ما را می‌کشند.
6.  $hæl=yan-girt-in$   
PVB=3PL.O.take.PST-1PL  
(آن‌ها) آن‌ها را برداشتند.
7.  $guft=yan-in$

kill.PST=3PL.A-3PL

(آنها) آنها را کشتند.

در نمونه (۵) واژه‌بست  $=in$  پس از پیش‌وند و در جایگاه دوم و به صورت میان‌بست بین پیش‌وند و ریشه فعل قرار گرفته‌است. در نمونه (۴)، نیز واژه‌بست  $=yan$  پس از جزء پیش‌فعل و در جایگاه دوم واقع شده‌است. در نمونه (۷) گروه فعلی فاقد پیش‌وند است و بنابراین واژه‌بست  $=yan$  به ریشه فعل پیوسته می‌شود در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. گاهی مانند نمونه (۸) واژه‌بست پس از صفت مفعولی قرار می‌گیرد. در این حالت وند  $-u$  به همراه ریشه فعل  $Xward$  تشکیل یک واژه واجی می‌دهند و واژه‌بست  $=yan$  پس از واژه واژگانی تشکیل شده ( $Xward-u$ ) در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

#### 8. $Xward-u=yan-\text{æ}$

eat.PST-PTCP=3PL.A-COP

آنها خورده‌اند.

در نمونه (۸)، واژه‌بست  $=yan$  تمایل دارد در چپ‌ترین لبه حوزه نمایان گردد ولی محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» اجازه قرارگیری در چپ‌ترین لبه حوزه را نمی‌دهد. این امر منجر به تخطی از محدودیت «حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه» می‌گردد و از سویی دیگر محدودیت «حفظ یکپارچگی گروه فعلی» از ورود واژه‌بست  $=yan$  به ساختار درونی میزبان و ایجاد گسستگی در آن جلوگیری می‌کند. بنابراین رقابت محدودیت‌ها سبب می‌شود واژه‌بست در جایگاه دوم جایگیری نماید. در تابلوی‌های (۱) و (۲) تعامل محدودیت‌های دخیل در تعیین جایگاه واژه‌بست ضمیری موکری در گروه فعلی برای نمونه‌های (۵) و (۷) دیده می‌شود:

جدول ۲: تابلوی ۱: تعامل محدودیت‌های تعیین جایگاه واژه‌بست ضمیری موکری در

#### گروه فعلی

/INPUT/:	NonInitial( $cl_i$ , VP)	Integrity(VP)	LeftMost( $cl_i$ , L, VP)
$d\text{æ}=\text{in-gu}\text{z-in}$			
a. $\text{in}=\text{d}\text{æ-gu}\text{z-in}$	!*		
☞ b. $d\text{æ}=\text{in-gu}\text{z-in}$			*
c. $d\text{æ-g}=\text{inu}\text{z-in}$		*	*
d. $d\text{æ-gu}\text{z}=\text{in-in}$		*	*

حضور واژه‌بست در ابتدای کاندیدای a باعث تخطی مهلک از محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» گردیده‌است و با وجود قرار نگرفتن واژه‌بست در درون ریشه فعل و چپ‌ترین لبه حوزه و اقماع محدودیت‌های مربوطه کاندیدای مورد اشاره از رقابت حذف

می‌گردد. واژه‌بست کاندیدای C در ابتدای حوزه واقع نشده و از محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» پیروی نموده‌است، ولی با حضور در درون ریشه فعل محدودیت «حفظ یکپارچگی گروه فعلی» را نقض نموده‌است. در کاندیدای مذکور قرار نگرفتن واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه نیز منجر به تخطی از محدودیت «حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه» گردیده‌است. بنابراین کاندیدای C نیز برون‌داد مناسبی نیست. چون نحوه عملکرد محدودیت‌های دخیل در جایگیری واژه‌بست در کاندیدای C و کاندیدای d یکسان است از بیان دوباره آن خودداری می‌شود. در نتیجه کاندیدای d نیز حذف می‌شود. اما گزینه b چون محدودیت‌های «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی گروه فعلی» را اقلان نموده‌است و فقط از محدودیت «حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه» پیروی نموده‌است با کم‌ترین میزان تخطی از محدودیت‌ها به عنوان برنده رقابت محدودیت‌ها و گزینه بهینه انتخاب می‌گردد. نتیجه رقابت میان محدودیت‌های دخیل در تعیین جایگاه واژه‌بست در گروه فعلی دارای جزء پیش فعل در کردی موکری را می‌توان چنین بیان نمود که طی آن محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» در سلسله‌مراتب محدودیت‌ها به عنوان محدودیت بی‌رقیب بالاتر از سایر محدودیت‌ها قرار می‌گیرد و بر سایر محدودیت‌ها تسلط دارد. دو محدودیت «حفظ یکپارچگی گروه فعلی» و «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» به طور هم‌تراز عمل می‌کنند و در سلسله‌مراتب محدودیت‌ها پایین‌تر از محدودیت «عدم اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» قرار می‌گیرند. نتیجه حاصله دیگر از این رقابت این است که واژه‌بست در جایگاه دوم جای می‌گیرد. در نمونه (۵)، نیز حضور واژه‌بست دقیقاً در همان جایگاهی قرار می‌گیرد که در نمونه (۳) نشان داده شد. از این رو رسم تابلو برای آن ضروری به نظر نمی‌رسد. همان گونه که گفته شد هنگام اتصال واژه‌بست کردی موکری به فعل‌های فاقد پیش‌وند و جزء پیش فعل جایگاه آن پس از فعل خواهد بود (نمونه (۷)). تابلوی (۲) رقابت میان محدودیت‌های دخیل در جایگیری واژه‌بست گروه فعلی فاقد پیش‌وند یا جزء پیش فعل را نشان می‌دهد.

### جدول ۳: (تابلوی ۲): رقابت محدودیت‌های دخیل در جایگیری واژه‌بست گروه فعلی

#### فاقد پیش‌وند

/INPUT/:	NonInitial( $cl_i$ , VP)	Integrity(VP)	LeftMost( $cl_i$ , L, VP)
<i>guft=yan-in</i>			
a. <i>yan=guft-in</i>	!*		
b. <i>guft-in=yan</i>			*
c. <i>guft=yan-in</i>			*
d. <i>gu=yan-ft-in</i>		*	*

واژه‌بست ضمیری در کاندیدای a در مثال ۵ در ابتدای حوزه واقع شده و موجب نقض محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» گردیده‌است. بنابراین این کانیدای با وجود اقتناع محدودیت‌های «حفظ یکپارچگی میزبان» و «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه»، به علت نقض کشنده محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» از گردونه رقابت حذف می‌گردد. واژه‌بست در کاندیدای b چون نه در ابتدای حوزه خود واقع شده و نه یکپارچگی میزبان را برهم زده است به نظر می‌رسد که کاندیدای مناسبی باشد اما به دلیل اینکه واژه‌بست از یک سو در منتهی‌الیه لبه چپ گروه قرار ننگرفته و منجر به نقض محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه گردیده‌است و از سویی دیگر نیز در جایگاه دوم نمایان نشده‌است گزینه مناسبی نیست. واژه‌بست حاضر در کاندیدای d هرچند در ابتدای حوزه قرار ننگرفته اما ساختار و یکپارچگی میزبان خود یعنی واژه واجی را برهم زده و به درون آن وارد شده است و از محدودیت «حفظ یکپارچگی میزبان» سرپیچی کرده‌است گزینه مناسبی نیست. در کاندیدای c واژه‌بست حضور واژه‌بست باعث نشده‌است تا از محدودیت‌های مسلط «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی میزبان» سرپیچی کند زیرا واژه‌بست نه در ابتدای حوزه قرار ننگرفته و نه در ساختار درونی میزبان گسستگی ایجاد کرده است. پیش‌تر گفته شد که واژه‌بست تمایل دارد در چپ‌ترین لبه حوزه واقع شود ولی در کاندیدای c محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» اجازه حضور آن را در چپ‌ترین لبه حوزه را نمی‌دهد که در نتیجه آن کاندیدای مذکور از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» سرپیچی می‌نماید ولی با وجود سرپیچی از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» با کم‌ترین سرپیچی به عنوان گزینه برونداد بهینه انتخاب می‌شود. در کاندیدای مورد اشاره واژه‌بست تمایل دارد به چپ‌ترین لبه حوزه (یعنی ابتدای آن) پیوسته شود اما محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» اجازه این کار را نمی‌دهد و به این ترتیب کاندیدای c از محدودیت چپ‌ترین لبه سرپیچی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که در این گونه حوزه کردی موکری محدودیت‌های «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی میزبان» بالاتر از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» قرار می‌گیرند و هر دوی آن‌ها به طور موازی عمل می‌کنند. در نتیجه رقابت میان محدودیت‌ها واژه‌بست در این حوزه نیز در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. آنچه در مورد جایگیری واژه‌بست موکری در دو نوع حوزه گروه فعلی (گروه فعلی دارای جزء پیش‌فعل و بدون گروه فعلی دارای بدون جزء پیش‌فعل) مورد تحلیل قرار گرفت در حوزه‌های فعلی دارای پیش‌وندهای منفی‌ساز ( $ne-$ ,  $na^1$ ) و التزامی و امری ( $bi-$ ) نیز روال به همین منوال است و محدودیت‌ها به همان شیوه

<sup>۱</sup> در موکری پیش‌وند منفی‌ساز  $nae-$  برای زمان گذشته ولی  $na-$  برای زمان‌های حال و آینده به کار می‌رود.

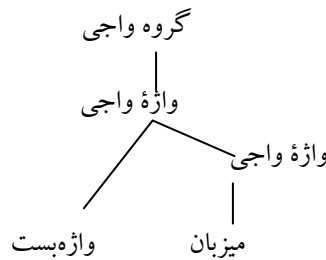
عملکردشان در سایر حوزه‌های فعلی عمل می‌کنند. نمونه‌های (۹)، (۱۰) و (۱۱) جایگاه واژه‌بست را در گروه فعلی دارای پیش‌وندهایی منفی‌ساز ( $na\bar{e}$ -,  $na$ ) و التزامی و امری ( $bi$ -) را نشان می‌دهند:

9.  $na=y\bar{a}n-xward-in$   
NEG=3PL.A.eat.PST-1PL  
آنها را نخوردند.

10.  $na=y\bar{a}n-xo-in$   
NEG=3PL.P.eat-1PL  
آنها را نمی‌خورند.

11.  $bi=y\bar{a}n-xo-in$   
PF=3PL.P.eat-1PL  
آنها را بخورید.

عناصر مورد اشاره هنگامی که با واژه‌بست ترکیب شوند واژه واجی مستقلی را ایجاد می‌کنند. بر مبنای آنچه آندرسن (Anderson, 2005, p. 46) در شکل (۱) بیان نمود این گونه واژه‌بست، واژه‌بست درونی به شمار می‌آید. زیرا به درون میزبان خود منضم شده‌است. واژه‌بست پس از دو گروه پیشوند مورد اشاره نمایان می‌شود و در جایگاه دوم قرار می‌گیرد:



شکل ۱: نمودار واژه‌بست درونی

تابلوی (۳) رقابت میان محدودیت‌های دخیل در جایگیری واژه‌بست در گروه فعلی که دارای پیش‌وند منفی‌ساز است را نشان می‌دهد:

جدول ۵: تابلوی ۳: رقابت محدودیت‌های دخیل در جای‌گیری واژه‌بست در گروه فعلی

با پیش‌وند منفی‌ساز

/INPUT/:	NonInitial( $cl_i$ , VP)	Integrity(VP)	LeftMost( $cl_i$ , L, VP)
<i>næ=yan-xward-in</i>			*
a. <i>næ-xward-in=yan</i>			*
☞ b. <i>næ=yan-xward-in</i>			*
c. <i>næ-xw=yan-ard-in</i>		*	*
d. <i>yan=næ-xward-in</i>	!*		

واژه‌بست در کاندیدای a چون نه در ابتدای حوزه خود واقع شده و نه یکپارچگی میزبان را برهم زده است به نظر می‌رسد که کاندیدای مناسبی باشد. ولی به دلیل اینکه واژه‌بست از یک سو در منتهی‌الیه لبه چپ گروه قرار نگرفته و منجر به نقض محدودیت حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه گردیده است و از سویی دیگر نیز در جایگاه دوم ظاهر نشده است گزینه مناسبی نیست. واژه‌بست حاضر در کاندیدای c هرچند در ابتدای حوزه قرار نگرفته اما چون هم یک‌پارچگی میزبان خود یعنی واژه واجی را برهم زده و به درون آن وارد شده است و از محدودیت «حفظ یکپارچگی میزبان» سرپیچی کرده است و هم در چپ‌ترین لبه حوزه قرار نگرفته است گزینه مناسبی نیست. واژه‌بست ضمیری در کاندیدای d در نمونه (۶) در ابتدای حوزه واقع شده و موجب نقض محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» گردیده است. بنابراین این کاندیدا با وجود اقتناع محدودیت‌های «حفظ یکپارچگی میزبان» و «حضور واژه‌بست در چپ‌ترین لبه حوزه»، به سبب نقض کوشنده محدودیت «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» از گردونه رقابت حذف می‌گردد. در کاندیدای b واژه‌بست حضور واژه‌بست سبب نشده است تا از محدودیت‌های مسلط «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی میزبان» سرپیچی کند و با وجود تخطی از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» با کم‌ترین سرپیچی به عنوان گزینه بیرون‌داد بهینه انتخاب می‌شود. با توجه به رقابت محدودیت‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه گروه فعلی دارای جزء پیش‌فعل، پیشوندهای منفی، التزامی و امری کردی موکری محدودیت‌های «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی میزبان» بالاتر از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» قرار می‌گیرند و هر دوی آن‌ها به طور موازی عمل می‌کنند. در نتیجه رقابت میان محدودیت‌ها در این حوزه نیز واژه‌بست در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. از آن جایی که واژه‌بست در حوزه گروه فعلی دارای پیش‌وند التزامی و امری *bi-* در همان جایگاهی قرار می‌گیرد که همراه عناصر منفی‌ساز *næ-*, *na-* قرار گرفته است چگونگی رقابت محدودیت‌ها به همان شیوه خواهد بود، از تحلیل گونه حوزه خودداری می‌شود. در پایان،

ترتیب محدودیت‌ها برای نمونه‌های (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸) و (۹) را می‌توان مطابق زیر نشان داد:

## 12. NonInitial( $cl_i, VP$ ), Integrity( $VP$ ) >> LeftMost( $cl_i, L, VP$ )

### ۸. نتیجه‌گیری

وجود واژه‌بست‌های ضمیری و نقش‌های گوناگون آن‌ها یکی از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی است. واژه‌بست‌ها از عناصر فعال کردی موکری هستند که از قابلیت حرکت بالایی برخوردارند و مقوله‌های مختلف از حوزه‌های مختلف را به عنوان میزبان بر می‌گزینند. در این مقاله، به بررسی توزیع و نقش‌های مختلف این واژه‌بست‌های در زبان مورد اشاره پرداخته شد و جایگاه آن‌ها را در حوزه‌های فعلی (گروه فعلی دارای جزء پیش فعل یا پیش‌وندهای منفی ساز ( $ne-$ ,  $na-$ ) و پیش‌وندهای التزامی و امری ( $bi-$ )) و گروه فعلی بدون جزء پیش فعل) به کمک محدودیت‌های نظریه بهینگی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های بررسی داده‌های کردی موکری نشان داد که جایگاه واژه‌بست ضمیری در کردی موکری به وسیله سه دسته از محدودیت‌های نظریه بهینگی میسر است: دسته اول محدودیت‌ها بی‌رقیب هستند و بالاتر از سایر محدودیت‌ها قرار می‌گیرند و مطابق آن‌ها به هیچ وجه اجازه حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه خود را نمی‌دهند. دسته دوم مشخص می‌کنند که واژه‌بست روی چپ‌ترین لبه حوزه (واژه واجی یا گروه واجی) قرار می‌گیرد و دسته سوم محدودیت‌ها اجازه برهم زدن و گسستگی میزبان را به واژه‌بست نمی‌دهند. در نتیجه رقابت میان محدودیت‌ها به منظور تعیین جایگاه واژه‌بست در حوزه گروه فعلی دارای جزء پیش فعل یا بدون آن در کردی موکری محدودیت‌های «عدم حضور واژه‌بست در ابتدای حوزه» و «حفظ یکپارچگی میزبان» بالاتر از محدودیت «حضور واژه‌بست چپ‌ترین لبه حوزه» قرار می‌گیرند و هر دوی آن‌ها به‌طور موازی عمل می‌کنند. رقابت محدودیت‌های نظریه بهینگی نیز جایگیری واژه‌بست در جایگاه دوم را تأیید می‌کند.

### فهرست منابع

حسینی، نرگس (۱۳۹۵). توزیع واژه‌بست در زبان کردی/ اردلانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.

علی‌نژاد، بتول و صادق محمدی بلبان‌آباد (۱۳۹۲). «واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کردی سورانی:

تعامل با حروف اضافه». *زبان و ادب فارسی*. سال ۶. شماره ۱۸. صص ۷۶-۹۴.

کریمی، یادگار (۱۳۹۱). «مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند».

*پژوهش‌های زبان‌شناسی*. دوره ۴. شماره ۲. صص ۱-۱۸.

- کریمی، یادگار (۱۳۹۳). «نگاهی به میزان‌گزینی واژه‌بست‌ها از منظر نظریه‌فاز». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی تهران. شماره ۳۳۲. صص ۱۰۲۷-۱۰۴۲.
- کلامی، صدف (۱۳۹۶). تحلیل وندهای تصریفی و واژه‌بست‌های کردی اردلانی با رویکرد ساخت‌واژه توزیعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
- محمد ابراهیمی، زینب و فاطمه دانش پژوه (۱۳۸۷). «واژه‌بست و روابط دستوری معنایی آن با فعل در زبان کردی (گوش سورانی)». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۵۸. صص ۱۴۵-۱۶۸.
- محمدی بلبان‌آباد، صادق (۱۳۹۴). گروه واژه‌بست و گروه واجی در زبان فارسی و کردی: جنبه‌هایی از نظریه واج‌شناسی نوایی. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- میردهقان، مهین ناز و غزاله مبینی (۱۳۹۲). «بررسی نقش واژه‌بست‌های در نظام مطابقه و حالت در گوش سورانی منطقه دیواندره». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست در زبان‌های ایران. به کوشش محمد راسخ مهند. تهران: نویسه پارسی. صص ۱۲۳-۱۳۸.
- یوسفی، سعیدرضا، مهین ناز میردهقان و تینا بوگل (۱۴۰۰). «تأثیر تأکید بر جایگاه شناسه‌های واژه‌بستی و فسی بر مبنای دستور واژی-نقشی». زبان‌پژوهی. دوره ۱۳. شماره ۳۹. صص ۵۷-۸۹.

## References

- Alinezhad, B. & Mohammadi BolbanAbad, S. (2013a). *Clitic group and phonological phrase in Persian and Kurdish: some aspects of Prosodic Phonology*, PhD dissertation, University of Isfahan, Isfahan [In Persian].
- Alinezhad, B. & MohammadiBolbanAbad, S. (2013b). Pronominal clitics in Sorani Kurdish: Interaction with prepositions. *Quarterly Journal of Language and Persian Literature*, 18, 76-94 [In Persian].
- Anderson, S. (2005). *Aspects of the theory of clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- Anderson, S.R. (1992). *A-Morphous Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press,
- Boersma, P, J. Deckers & van de Weijer, J. (2000). *Optimality Theory: Phonology, Syntax, and Acquisition*. Oxford: Oxford University Press.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (6<sup>nd</sup> edition.). London: Blackwell.
- Dabir Moghaddam, M. (2012). Linguistic Typology: An Iranian Perspective. *Journal of Universal Language* 13, 31-70.
- Dabir-Moghaddam, M. (2008). On agent clitics in Balochi. In Carina Jahani, Agnes Korn & Paul Titus (Eds.), *The Baloch and others. Linguistic, historical and socio-political Perspectives on pluralism in Balochistan* (pp. 83-101). Wiesbaden: Reichert.
- Gharib, H. and Pye C. (2018). The clitic status of person markers in Sorani Kurdish, *Kansas Working Papers in Linguistics*, 39, 57-65.
- Haig, G. (2008). *Alignment change in Iranian languages: a construction grammar approach*, (Empirical Approaches to Language Typology 37). Berlin New York: Mouton de Gruyter.



- Hosseini, N. (2016). *Clitic Distribution in Aldalani Kurdish*. Master thesis, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran [In Persian].
- Jalal Taher, F. (2017). *Kurdish Pronominal Clitics*. Germany: LAP LAMBERT Academic Publishing.
- Jügel, T. (2014). On the linguistic history of Kurdish. *Kurdish Studies*, 2(2), 123-142.
- Kager, R. (1999). *Optimality Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalami, S. (2016). *Analysis of Ardalani Kurdish inflectional affixes and clitics: Distributive Morphology Approach*, MA thesis, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran [In Persian].
- Kareem, R. (2016). *The syntax of verbal inflections in central Kurdish*. PhD dissertation. Newcastle University, Newcastle, United Kingdom.
- Karimi, Y. (2014). A look at clitics host from Phase Theory perspective. In *Proceedings of Articles of Allameh Tabataba'ii University*. 332, 1027-1042 [In Persian].
- Karimi, Y. (2017). Agreement in Ergative system of Iranian Languages: clitic and affix competition, *Journal of Language Researches*, 4, 1-18 [In Persian].
- Klavans, J.L. (1985) The Independence of Syntax and Phonology in Cliticization. *Language* 61, 95 -120.
- Korn, A. (2009). Western Iranian Pronominal Clitics. *Orientalia Suecana* LVIII, 159-171
- Mackenzie, D. N. (1961). *Kurdish Dialect Studies*. Oxford: Oxford University Press.
- Mirdehghan, M. & Mobini, Gh. (2013). Investigation of function of in agreement system and case assigning in Sorani Kurdish of Divandare, In *M. Rasekh Mehand. Proceedings of Articles of the First National Conference of studying clitic in Iranian Languages* (pp. 123-138). Tehran: Neveese-e-Parsi [In Persian].
- Mohammad Ebrahimi, Z & Daneshpazhuh, F. (2008). Clitic and its grammatical semantic relation with verb in Sorani Kurdish. *Journal of Humanity Science*, 58, 145-168 [In Persian].
- Mohammadirad, M, (2020), *Pronominal clitics in Western Iranian languages: Description, mapping, and typological implications*, PhD dissertation, Université Sorbonne Nouvelle, Paris, France.
- Öpengin, E. 2013. *Clitic-Affix Interactions: A Corpus-based Study of Person Marking in the Mukri Variety of Central Kurdish*. PhD dissertation, Université Sorbonne Nouvelle Paris, France and Universität Bamberg. Bamberg, Germany.
- Samvelian, P. (2007a). What Sorani Kurdish absolute prepositions tell us about cliticization? In, F. Hoyt, N. Seifert, T. Alexandra & J. White (eds.), *Texas Linguistic Society IX: The Morphosyntax of Underrepresented Languages* (pp. 263-283). Stanford: CSLI Publications.
- Samvelian, P. (2007b). A lexicalist account of Sorani Kurdish prepositions. In Stefan Müller (ed.), *Proceedings of the HPSG07 Conference*. Stanford: CSLI. Retrieved from: <[http://hpsg.stanford.edu/HPSG07/Abstracts/submission\\_26.pdf](http://hpsg.stanford.edu/HPSG07/Abstracts/submission_26.pdf)>
- Sultan, A. (2014). An Account of Clitics in Shabaki with Reference to Wackernagel's Law. *Global Journal of Human-Social Science*, 14 (1), 25-38.
- Wackernagel, J. (1892), Über ein Gesetz der indogermanischen Wortstellung, *Indogermanische Forschungen*, 1, 333-436.

- Walther, G. (2012). Fitting into morphological structure: accounting for Sorani Kurdish endoclitics. *Mediterranean Morphology Meetings*, 8, 299–321.
- Yousefi, S. R., Mahinnaz M., & Tina B. (2021). Stress-Affected LFG Account of Vafsi Clitic PAMs, *Scientific Journal of Language Research*, 13 (39), 57-89 [In Persian].
- Zwicky, A. (1977). *on Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).